



مطالعه تطبیقی پوشش زنان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوره صفویه*

منصور ولی قوجق** حسین مهرپویا***

چکیده

۱۰۹

یکی از حوادث تاریخی که در دوره صفویه نمود بیشتری داشت و تأثیر بسیاری بر پوشاک صفویه گذاشت ورود اروپائیان به ایران بود که با نوشتن سفرنامه‌ها، بخشی از تاریخ مکتوب صفویه را رقم زدند. برای بررسی پوشش زنان صفویه، علاوه بر سفرنامه‌ها، از نقاشی‌ها آن دوران نیز می‌توان استفاده کرد. در این مقاله سعی شده با مطالعه تطبیقی به چگونگی انعکاس مطالب و تصاویر پوشش زنان صفویه در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوره صفویه پرداخته شود. به همین منظور مهم‌ترین سفرنامه‌های نوشته شده در دوره صفویه در مورد پوشش زنان مورد مطالعه قرار گرفته و مطالب آن با نگاره‌های دوره صفویه به صورت تطبیقی بررسی شده است. این مقاله از نوع نظری می‌باشد و با روش تطبیقی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و بررسی مطالب سفرنامه‌ها و نگاره‌ها درصدد پاسخگویی به این پرسش‌ها می‌باشد: به چه صورت پوشش زنان دوره صفویه در سفرنامه‌ها و نگاره‌های این دوران انعکاس یافته و تا چه حد بر یکدیگر منطبق است؟ برای بررسی پوشش زنان دوره صفویه چرا سفرنامه‌ها به همراه نگاره‌ها باید مورد استفاده قرار گیرد؟

از دلایل استفاده از سفرنامه‌ها به همراه نگاره‌ها، کمبود تن پوش‌های زنان به دلایلی مانند فرسوده شدن ابریشم‌ها و پنبه‌های بکار رفته در آن‌ها، تغییر و تحول در پوشش زنان به دلیل ورود فرهنگ غربی و غیره می‌باشد. دستاوردهای پژوهش بیانگر آن است که مطالب سفرنامه‌ها در برخی موارد به دلایلی مانند تغییر و تحول پوشاک صفویه قابل اطمینان نیستند؛ مثلاً قبا‌ی بانوان در تصاویر سفرنامه‌ها تا ساق پای آن‌ها می‌رسید، اما در برخی از نگاره‌ها می‌بینیم که قبا بسیار کوتاه تر شده و تا بالای زانو رسیده است. چنین اتفاقی در طراحی کفش‌های راحتی زنان نیز افتاده است، به همین دلیل مطالب سفرنامه‌ها به‌تنهایی برای بررسی پوشش زنان صفویه کافی نیستند، بلکه در کنار نگاره‌ها می‌توانند اسنادی معتبر تلقی شوند.

واژه‌های کلیدی: نگارگری صفویه، نگاره‌ها، سفرنامه‌ها، پوشش زنان

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد منصور ولی قوجق با عنوان "بررسی ویژگی‌های تن‌پوش‌ها در سفرنامه‌ها و نگاره‌های مکتب اصفهان" به راهنمایی دکتر حسین مهرپویا در دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

** کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان. (نویسنده مسئول)

mansourghojogh@yahoo.com

*** استادیار، دانشکده هنر و معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.

مقدمه

هر کشوری برای خود آداب، رسوم، سنن و در مجموع فرهنگ خاصی دارد و برای حفظ آن‌ها تلاش می‌کند. بدیهی است که پوشاک با توجه به خصوصیات و ویژگی‌هایی که دارد یکی از نمونه‌های عینی و مجسم فرهنگ هر جامعه است و به عبارت دیگر همواره بخشی از فرهنگ هر جامعه در پوشش مردم آن جامعه متجلی می‌شود. یکی از برجسته‌ترین عوامل تغییر و تحول پوشاک مردم، التقاط و برخورد فرهنگ‌ها می‌باشد که بر اساس عواملی چون جنگ‌ها، ارتباطات مرزی، وصلت‌های قومی، مراوده‌های فرهنگی، سیاسی و... شکل می‌گیرد.

در عصر صفویه، رفت و آمد‌های گروه‌های مختلف اروپاییان به ایران، موجب گردید که تعداد بسیاری سفرنامه توسط این گروه‌ها نوشته و به یادگار بماند که یکی از راه‌های بررسی پوشش زنان می‌باشد، از جمله دیگر منابع بررسی پوشش زنان صفویه، می‌توان به نگاره‌ها و نقاشی‌های باقیمانده از این دوران اشاره کرد که می‌تواند مکمل مناسبی برای دست‌یابی به آداب و سنن پوشاک بانوان صفویه در کنار گزارش‌های سفرنامه‌نویسان باشد.

یکی از اهداف کلی این پژوهش دستیابی به اسنادی معتبر و قابل استناد در بررسی پوشش زنان دوره صفویه است که جهت رسیدن به این هدف پاسخ به این پرسش‌ها الزامی است: به چه صورت پوشش زنان دوره صفویه در سفرنامه‌ها و نگاره‌های این دوران انعکاس یافته و تا چه حد بر یکدیگر منطبق است؟ برای بررسی پوشش زنان دوره صفویه چرا سفرنامه‌ها به همراه نگاره‌ها باید مورد استفاده قرار گیرد؟

از آنجایی که این سفرنامه‌ها توسط اروپائیان نوشته شده و آمیخته با ذهنیت آنان می‌باشد، باید از جهت قابل اعتماد بودن نیز بررسی شوند؛ چون برداشت یک شخص بیگانه از جامعه‌ای که مدت محدود و معینی در آن حضور داشته، برداشت ناقصی است. این نقص در مواردی که شخص پیش‌زمینه‌ای از جامعه مقصد نداشته است، بیشتر آشکار می‌شود و همین امر باعث می‌شود که در محتوای سفرنامه‌ها به دیده تردید نگاه کنیم و همین موضوع، ضرورت چنین تحقیق تطبیقی را بیشتر مشخص می‌کند. همچنین لازم به ذکر است که توصیف لباس زنان عصر صفویه به وسیله اروپاییان بسیار دشوار بوده است؛ زیرا زنان ایرانی عموماً پرده‌نشین بودند و در اندرونی بسر می‌بردند و آنگاه که در انتظار عمومی ظاهر می‌شدند چادری بر سر داشتند که همه جای بدنشان را می‌پوشاند. همچنین سیاحان اروپایی کمتر قادر بودند که از تن پوش‌های شاهزادگان درباری مطالبی را در سفرنامه‌های خود بنویسند

زیرا به راحتی نمی‌توانستند وارد دربار شوند به طوری که یک افسر فرانسوی به نام گاسپارد دروویل^۱ در سفرنامه خود می‌ویسد: «چه بسا اروپائینی که گذرشان به ایران می‌افتد و حتی سالیان درازی در این کشور بسر می‌برند، بی‌آنکه حتی یک بار چشمشان به چهره زنان ایرانی افتد. برای دیدار رخسار جنس لطیف ایرانی، مرد اروپایی به ناچار باید آشنایی داشته باشد تا به وسیله آن راهی به سوی دربار باز کند. ولی چنین موهبتی بسیار به دشواری و به ندرت نصیب غربی‌ها می‌شود. از اینجا چنین برمی‌آید که بعضی از سفرنامه‌نویسان اگر هم مطالبی درباره زنان ایران نوشته‌اند، مرجعی جز توهمات و پندارهای خویش نداشته‌اند و چنان‌که شاردن^۲ خود معترف است مطالب مربوط به زنان را از زبان خواجه سرایان درباری شنیده است» (دروویل، ۱۳۸۹: ۸).

پیشینه تحقیق

اشاره به دو نوع پژوهش برای پیشینه این تحقیق لازم است: دسته اول پژوهش‌هایی هستند که به بررسی پوشاک ایرانی پرداخته‌اند مانند کتاب تاریخ لباس ایران (رنج‌دوست، ۱۳۸۷)، کتاب هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی (غیبی، ۱۳۹۱)، کتاب تاریخچه پوشش سر در ایران، (شهشهانی، ۱۳۷۴) و کلیه پایان‌نامه‌هایی که مرتبط با پوشاک صفویه هستند. دسته دوم، برخی تحقیقات و پژوهش‌هایی هستند که در مورد سفرنامه‌های دوران صفوی انجام گرفته است مانند کتاب بررسی سفرنامه‌های دوره‌ی صفوی (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵)، ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان (سبیلیا، ۱۳۶۴)، کتاب زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی (مهرآبادی، ۱۳۸۶) و کلیه پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌هایی که به نحوی مرتبط با سفرنامه‌های دوره صفویه هستند.

لازم به ذکر است کتاب تاریخ لباس ایران فاقد هرگونه تصویر است و کتاب هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی هم به بررسی پوشاک باستان تا دوره قاجار پرداخته و طبعاً به دلیل گستردگی مطالب، خیلی گذرا به مقوله پوشش زنان در دوره صفویه پرداخته و به برخی از پوشش‌های بانوان صفویه اشاره نکرده است و کتاب تاریخچه پوشش سر در ایران نیز فقط به مقوله پوشش سر اشاره کرده و به سایر پوشش‌ها نپرداخته است. در این مقاله سعی شده به تمام پوشش‌های بانوان صفویه پرداخته شود و حتی با تطابق تصاویر سفرنامه‌ها و نگاره‌ها، در بعضی موارد به تغییر و تحول پوشش‌ها مانند قبای بانوان نیز اشاره شود. ضمناً در این مقاله اولویت بررسی سفرنامه‌ها، بیشتر سفرنامه‌هایی است که توسط سفرنامه‌نویسان اروپایی نوشته شده است.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع بنیادی و نظری است و از روش تطبیقی استفاده شده است. اطلاعات مربوط به این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مشاهده آثار نگارگران دوره صفویه تهیه شده است. اطلاعات مربوط به پوشش زنان از سفرنامه‌های دوره صفویه گردآوری و استخراج شده و همچنین تصاویر کتاب‌های نگارگری مربوط به پوشش زنان این دوره کپی و اسکن شده است. اطلاعات این منابع با روش تطبیقی مقایسه شده و در نهایت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری به عمل آمده است.

دلایل ارتباط اروپاییان با ایران عصر صفوی

دو واقعه مهم در آسیا باعث توجه مضاعف اروپا به ایران شد. یکی از این وقایع، تحکیم حاکمیت امپراتوری عثمانی بر مناطق تحت سلطه امپراتوری روم شرقی و فتح قسطنطنیه بود. فتح قسطنطنیه توسط محمد فاتح عثمانی باعث شد مسیر تجاری اروپا با شرق و وحشت حاکمان آن قاره از حملات بعدی این امپراتوری گشت و اروپا را برای پیدا کردن متحدی در نزدیکی مرزهای عثمانی به تکاپو واداشت (شهبازی، ۱۳۸۳: ۲۰). واقعه دیگر را تصمیم شاه اسماعیل در اعلام مذهب بود شیعه دانسته‌اند؛ زیرا این اقدام به همان اندازه که مذهبی بود سیاسی نیز محسوب می‌شد، چراکه با اجرای آن، ایران شیعه مذهب، رودرروی عثمانی سنی مذهبی قرار می‌گرفت که داعیه خلافت بر جهان اسلام را داشت. این امر باعث تشدید دشمنی بین ایران صفوی و عثمانی شد (جایز، ۱۳۸۶: ۶۷). این وقایع بعلاوه مسائل اقتصادی و سیاسی باعث ارتباط روزافزون اروپاییان با ایران گشت.

پوشش زنان صفوی

پوشش زنان صفوی در کل به سه بخش قابل تقسیم است که عبارت‌اند از: پوشش سر، پوشش تن و پوشش پا که هر یک از این‌ها نیز به نوبه خود دارای زیرشاخه می‌باشند؛ که در ادامه تک تک این زیرشاخه‌ها را بررسی خواهیم کرد.

پوشش سر

پوشش سر بانوان دوره صفویه را می‌توان به هفت قسمت تقسیم کرد که عبارت‌اند از: چادر، مقنعه، روسری، روبند، دستمال سه گوش یا لچک، پیشانی‌بند، کلاه.

چادر

شاردن در سفرنامه خود می‌نویسد: «زنان آنگاه که آهنگ بیرون شدن از خانه می‌کنند، با چادر سفید سراسر اندام خود را از سرتاپا می‌پوشانند» (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۵)؛ و

اولناریوس^۳ می‌نویسد: «زنان وقتی که از خانه خارج می‌شوند، چهره خود را نشان مردان نمی‌دهند، بلکه چادر سفیدی روی سر می‌ندازند (تصویر ۱) که تمام بدن آن‌ها را تا مچ پا می‌پوشاند» (اولناریوس، ۱۳۶۹: ۶۴۴).

کاتف^۴ می‌نویسد: «زنان در بیرون از خانه خود را به متقال نازکی می‌پیندند که چشم و صورت آن‌ها پیدا نیست» (کاتف، ۲۵۳۶: ۸۴)؛ و دلاواله^۵ در سفرنامه خود اشاره می‌کند: «زنان موقعی که بیرون می‌روند تمام بدن و چهره خود را به نحوی که در سوریه نیز مرسوم است، با پارچه سفیدی می‌پوشانند و سوار بر اسب می‌شوند (تصویر ۲) که دهنه آن غالباً در دست



تصویر ۱. چادر، بخشی از نگاره پیرزن و بزاز، اثر رضا عباسی (سودآور، ۱۳۸۰: ۲۷۸)



تصویر ۲. چادر (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۰)

یک مستخدم است، ولی ممکن است شخصاً نیز دهنه را در دست بگیرند» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۴۷).

دکتر میترا مهرآبادی در کتاب زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی، در مورد حجاب زنان می‌نویسد: «در زمان شاه عباس بزرگ صفوی در سفرنامه برادران شرلی^۶ آمده، زن‌ها در مجموع، زیبا هستند؛ چادر و روبند بر سر دارند. به طوری که آفتاب، هیچ وقت بر صورت آن‌ها نمی‌تابد» (مهرآبادی، ۱۳۸۶: ۱۲۵).

مقنعه

زنان سر خود را کاملاً می‌پوشانند و روی آن پارچه‌ای می‌اندازند که روی شانه‌هایشان می‌افتد و از جلو، گردن، گلو و سینه‌شان را می‌پوشاند (تصویر ۳) (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۵).

روسری

روسری زن‌ها شبیه پارچه‌ای است که زنان بغداد هم به کار می‌برند. رنگ روسری‌ها مختلف است (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۴۷).

روبند

چیزی شبیه دستمال است که صورت را می‌پوشاند و روی شقیقه بسته می‌شود و روی این روبند آنجا که چشم است شبکه‌هایی برای دیدن تعبیه شده است (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۵). در (تصویر ۴) اولین چهره زن با نقاب و چادر (قرن ۱۱ ه.ق.) دیده می‌شود؛ زن، چادر بلندی بر سر دارد که زیر چانه وی بسته شده است (شهبهانی، ۱۳۷۴: ۱۲۵). می‌توان گفت از جمله نوآوری‌هایی که در دوره صفویه در

نوع پوشش زنان به وجود آمد، حجابی چهارگوش و سفید به نام «روبند» بود که به بالای چادر متصل می‌شد و روی صورت می‌افتاد. روبند، شکافی کوچک و توری شکل داشت که امکان «دیدن» را فراهم می‌ساخت. همان طور که در تصویر ۵ می‌بینید و بخشی از کار رضا عباسی است زن نیز همانند تصویر ۴ چادر بلندی بر سر دارد که زیر چانه وی بسته شده است.

دستمال سه‌گوش یا لچک

دستمال سه‌گوش، پارچه‌ای سه‌گوش، کوچک و سمبوسه‌مانند است (تصویر ۶) که در بیشتر مینیاتورها دیده می‌شود. روی دستمال سه‌گوش و یا زیر آن، کلاهک‌هایی می‌گذاشتند که کاملاً موها را می‌پوشانید. شاردن در قسمتی از سفرنامه اش تأکید دارد: «سر زنان را نواری سه‌گوش و هلال‌مانند آرایش می‌بخشد» (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۷).

پیشانی‌بند

نوار دیگری که پهنای بیشتر دارد و قسمتی از بالای پیشانی را فراگرفته از پارچه‌ای نازک و ظریف و سنگین به‌است و آن را پیشانی‌بند می‌توان نامید با قلاب‌دوزی یا جواهر زینت می‌دهند. این تزئینات به نسبت دارایی و تمول و تمکن افراد کم یا زیاد می‌شود. به نظر من این زیورها باقیمانده آثار نیمتاجی است که شهبانوهای ایران در زمان باستان بر سر می‌نهادند. سربند را تنها زنان شوهردار به نشان اینکه زیر فرمان شوهران خود می‌باشند به سر می‌بندند و زنان بی‌شوهر به جای این نیمتاج‌ها، کلاه کوچکی بر سر می‌نهند (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۷).



تصویر ۵. روبند با چادر، بخشی از یک نگاره، اثر رضا عباسی (آدامووا، ۱۳۸۶: ۱۶۶)



تصویر ۴. روبند با چادر (شهبهانی، ۱۳۷۴: ۱۲۵)



تصویر ۳. بخشی از نگاره، روبند با مقنعه (غیبی، ۱۳۹۱: ۴۳۸)

مورد نوع خاصی از کلاه زنان می نویسد: «سر زنان را کلاهی می پوشاند که با رشته های طلا در آن قلاب دوزی شده است و شالی بسیار زیبا و نفیس از پارچه ی زری به دور آن پیچیده اند (تصویر ۹) و دنباله آن در عقب سر آن ها تا حد کمر بندرها شده و این سو و آن سو می رود» (سانسون، ۱۳۷۷: ۷۸).

پوشش تن

تن پوش بانوان صفویه را می توان به چهار بخش تقسیم کرد که عبارت اند از: پیراهن (تونیک)، قبا، نیم تنه بلند یا کلیجه، شال کمر و کمر بند.

پیراهن (تونیک)

پیراهنشان که قمیص نام دارد و شاید کلمه شمیمز Chemise به معنی پیراهن یا پوشه از آن آمده باشد، (تصاویر ۱۰ و ۱۱) از جلو تا ناف باز است (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۵).

در بعضی از مینیاتورها، یقه بسیار باز این لباس که از آن برای شیر دادن استفاده می شد، به وضوح از زیر ردای بلندی که با دو یا سه گره در قسمت جلو و پایین بسته می شد، یا از زیر ردای یقه هفت، دیده می شود.

قبا

لباس نسبتاً بلندی است که در تابستان زیر آن جلیقه به تن نمی کنند. قسمت بالای این لباس چسبان و کمر آن تنگ است و دو یقه آن روی یکدیگر قرار می گیرند. لبه چپ لباس

سانسون^۷ در مورد پیشانی بند بانوان می گوید: «زنان پیشانی خود را با پیشانی بندی به پهنا ی سه انگشت که با طلا، مینا کاری شده و با یاقوت و الماس و مروارید، مرصع است می پوشانند، حاشیه میلیله دوزی شده دور آن را که بر روی پیشانی آویزان است، با سکه های طلای و نیز زینت می دهند؛ و به این نحو جلوه ای بسیار دل انگیز به آن می بخشند» (سانسون، ۱۳۷۷: ۷۹). همچنین زنان روستایی نواری روی مقنعه و چادر از روی پیشانی می بستند (شهشهانی، ۱۳۷۴: ۱۱۸). یک نوع از سربندهای که زنان اشراف دوره صفویه از آن استفاده می کردند نیم تاج مثلثی شکل با بافت زربفت (تصویر ۷) بود که با انواع روبنده ها پوشیده می شدند (یارشاطر، ۱۳۸۳: ۲۰۸).

کلاه

تاورنیه^۸ سیاح فرانسوی در مورد کلاه زنان در سفرنامه اش می نویسد: «زنان کلاه کوچک بلندی مانند برجی کوچک بر سر دارند (تصویر ۸) و آن را بنا بر شأن یا بضاعت خود با جواهرات زینت می دهند. بعضی از زنان از پشت این کلاه، چادری ابریشمی می آویزند که به آن ها لطف و ملاحظت فراوان می بخشد» (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۲۹۹)؛ و جملی کارری^۹ جهانگرد ایتالیایی اضافه می کند: «زن های ایرانی کلاهی روی سر می گذارند، دور کلاهک زنان ثروتمند سکه های طلا و نقره و سنگ های قیمتی دوخته می شود» (کارری، ۱۳۸۳: ۱۶۰). سانسون که در زمان شاه سلیمان به ایران سفر کرده بود در



تصویر ۷. پیشانی بند، بخشی از نقاشی دیواری چهل ستون اصفهان (آقاچانی و جوانی، ۱۳۸۶: ۵۶)



تصویر ۶. دستمال سه گوش، بخشی از یک نگاره (رجبی، ۱۳۸۴: ۵۲۶)

بیشتر در آن به کار نمی‌رود و منتهی هر چه بیشتر غیرعادی و زنده باشد، بیشتر جلب توجه می‌کند و موقعی که نو است به اطلس شباهت دارد و میدرخشد (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۴۳).

کلیجه یا نیم تنه بلند

نیم تنه زنان از کلیجه مردان بلندتر است و تقریباً تا مچ پایشان می‌رسد (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۵). همان طور که در

روی لبه راست واقع می‌شود و در چهار محل با بند گره می‌خورد. آستین لباس باریک و بلند و مچ آن چین دار و فاقد دکمه و سرآستینان دارای شکاف است. از کمر بند به پایین، بالاپوش فراخ می‌شود و تا وسط ساق پا ادامه پیدا می‌کند (تصویر ۱۲)، ولی در عین حال پنبه دوزی داخل آن باعث میشود صاف بایستد. جنس این لباس از نوع قماش هندی است و یکرنگ



تصویر ۹. یک نوع کلاه بانوان صفویه (سانسون، ۱۳۷۷: ۳۶)



تصویر ۸. کلاه بانوان صفویه (شریعت پناهی، ۱۳۷۲: ۴۳)



تصویر ۱۱ - زنی با آینه، اثر رضا عباسی (متین، ۱۳۸۳: ۵۰)



تصویر ۱۰. پیراهن، بخشی از یک نگاره (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۱۵)

که تا زیر قوزک پایشان رامی پوشاند (سانسون، ۱۳۷۷: ۷۹).
کفش

به طور کلی کفش مرد و زن ایرانی در دوره صفویه شبیه یکدیگر است. فیگوئروا^{۱۱} توضیحات جالب توجهی از کفش های مردان و زنان دوره شاه عباس اول در سفرنامه خود ذکر می کند: «کفش های مرد و زن، چرمی و به رنگ های مختلف است، با جنس بسیار سخت و سفت و رویه های کوتاه، به طوری که همچون کفش سرپایی داخل منزل، پوشیدن و درآوردن آن ها بسیار آسان است. با اینکه غالب کفش ها نوک باریک اند و قسمت جلو آن ها از عقب بلندتر است، میخ های ریز بسیاری به تخت آن ها زده شده است» (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۵۷).

کفش زنان هم متفاوت با کفش مردان نیست. کفش ایرانی ها از ساغری و تیماج است و اندکی شبیه کفش راحتی زنان ما با نعلی کوچک در پاشنه آن است، زیرا کفش آن ها یکپارچه است و بند ندارد و به پا نمی چسبد، زیرا آن ها باید پیوسته کفش را از پا درآوردند تا روی قالی ها راه بروند. این نوع کفش برای آن ها خیلی راحت تر از کفش های ماست که بند دارد و به پا می چسبد (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۲۹۹-۲۹۷).

جملی کارری می نویسد: بلندی چکمه های ایرانی تا کمی بالاتر از مچ پا می رسد و غالباً این چکمه ها را ظریف، چسبان و خوش ترکیب می دوزند (کارری، ۱۳۸۳: ۱۵۹)؛ و نیز می افزاید

تصویر می بینید کلیجه نیم تنه چسبانی بود که با دامن بلندی که داشت، زیر قبا پوشیده می شد؛ (تصاویر ۱۳ و ۱۴) گاهی بلندی دامن این کلیجه ها به اندازه دامن قبا ها بود (غیبی، ۱۳۹۱: ۴۳۲).

شال کمر و کمر بند

با توجه به تصاویر نگارگری می بینیم (تصویر ۱۵) زنان نیز مانند مردان بر روی قبا شال کمر می بستند. کمر بند زنان از کمر بند مردان باریک تر می باشد و پهنای آن از یک شست در نمی گذرد (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۵)؛ اما سانسون از کمر بند های پهن تر در سفرنامه اش سخن به میان می آورد و می گوید: «زنان کمر بندی به پهنای چهار انگشت که با تیغه های طلا میناکاری و زینت شده به کمر می بندند. بر روی این ورقه های طلا قلم زنی کرده اند و بیشتر اوقات با سنگ های گران بها آن را زیب و زینت می کنند» (سانسون، ۱۳۷۷: ۷۹)

پوشش پا

پوشش پای بانوان صفویه را در این قسمت به سه بخش تقسیم می کنیم که شامل: شلوار، کفش، جوراب خواهد بود.

شلوار

تمام زنان و دختران شلوار به پا می کنند. (کاتف، ۲۵۳۶: ۸۴) وزن ها شلواری که به پا می کنند (تصویر ۱۶) آن قدر بلند است



تصویر ۱۴. کلیجه زیر قبا (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۶)



تصویر ۱۳. بخشی از نگاره اسکندر و روشنگ و بزم، کلیجه زیر قبا، معین مصور (غیبی، ۱۳۹۱: ۴۳۰)



تصویر ۱۲. قبا (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۶)

: «کفش‌های زنان شبیه کفش‌های مردان، منتها بارنگ‌های گوناگون و ظریف‌تر است» (همان: ۱۶۰).

برای آشنایی بیشتر با کفش‌های این دوره، به نمونه‌های تصویری زیر توجه شود. یک مرد ایرانی عهد صفویه، در (تصویر ۱۷) و زن ایرانی آن دوره نیز در (تصویر ۱۸) مشاهده می‌شود. در هر دو تصویر، کفش‌ها از نوع راحتی یعنی بدون قسمت پشت و با رویه‌ای بلند با برشی هشت‌گانه بر روی سینه پا هستند. در تصویر ۱۹ دختر جوانی در حال حمل کوزه طراحی شده است. طرح هشتی شکل و خلاقانه آن در طرفین کفش ایجاد شده است. در حالی که در تصاویر ۱۷، ۱۸ و ۲۰ برش هشتی شکل روی سینه کفش است.

در (تصویر ۲۱)، طرحی از یک مرد قزلباش مربوط به دوره شاه سلیمان صفوی از سفرنامه سانسون را مشاهده می‌کنید که کفش‌های پاشنه بلند با نوک تیز به پا دارد. چنین کفش‌های پاشنه بلند، در پای یک زن ایرانی از سفرنامه سانسون نیز دیده می‌شود (تصویر ۲۲).

نگاره بعدی مربوط به نسخه خمسه طهماسبی است که پیرزنی در حال اعتراض به سلطان سنجر سلجوقی است (تصویر ۲۳). همان‌طور که مشاهده می‌شود پیرزن نیم‌چکمه چرمی

پاشنه‌دار به پا دارد؛ و در بخشی از نگاره شاه عباس و خان عالم، شخصیتی را می‌بینید که نیم‌چکمه‌ای از نوع ساده و کف تخت به پا دارد (تصویر ۲۴).

در نگاره دیدار خسرو و شیرین اصفهان هر دو شخصیت برجسته داستان، چکمه‌های ساق بلندی از نوع پاشنه‌بلند به پا کرده‌اند (تصویر ۲۵). همان‌گونه که در تصویر مشاهده می‌شود میان چکمه‌های آن‌ها تفاوتی وجود ندارد. در (تصویر ۲۶) بانوان دوره صفویه را مشاهده می‌کنید که کفش پاشنه بلند به پا کرده‌اند. با توجه به نکات گفته شده در سفرنامه‌ها و نگاره‌های موجود از دوره صفویه، می‌توان تشخیص داد که انواع کفش‌های بدون ساق، در دو نوع پاشنه‌دار، بدون پاشنه، نوک‌تیز و در فرم کفش‌های راحتی کاربرد داشته است. البته این به معنای عدم استفاده از نیم‌چکمه، نیم‌چکمه‌بنداری یا چکمه‌های سوارکاری نیست، بلکه در برهه‌ای از تاریخ صفویه با توجه به اسناد و تصاویر موجود از این نوع کفش‌ها نیز استفاده می‌شده است.

جوراب

زنان جوراب نمی‌پوشند. آنان پای خود را با پارچه‌ای که به شکل نیم‌چکمه دوخته‌اند می‌پوشانند. این نیم‌چکمه



تصویر ۱۶. شلوار زنانه، تولد زال، اثر میرمصور، شاهنامه طهماسبی (رجبی، ۱۳۸۴: ۲۴۷)



تصویر ۱۵. شال کمر (رجبی، ۱۳۸۴: ۴۶۷)



تصویر ۱۸. کفش راحتی بانوان صفویه (فیگوروا، ۱۳۶۳: ۱۵۹)



تصویر ۱۷. کفش راحتی مردان صفویه (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۷۸)



تصویر ۲۱. مرد قزلباش با کفش‌های بدون ساق و پاشنه‌بلند (سانسون، ۱۳۷۷: ۳۵)



تصویر ۲۰. بانوی خیال‌پرداز، اثر رضا عباسی (کنبای، ۱۳۸۴: ۲۲۲)



تصویر ۱۹. کفش زنی که کوزه ای بر شانه‌اش حمل می‌کند، اثر محمدحسین (سودآور، ۱۳۸۰: ۲۹۷)

ولی برخی از زنان جوراب‌های ساق بلند مخملی می‌پوشند» (کاتف، ۲۵۳۶: ۸۴). کاملاً واضح است، جوراب ساقه بلندی که کاتف مطرح کرده با نیم چکمه پارچه‌ای (تصویر ۲۷) که شاردن توصیف کرده، یکی است.

که تا چهار انگشت بالای قوزک پایشان می‌رسد، از پارچه قشنگ و گران قیمت درست شده و یا نوعی کاردستی است (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۵). کاتف در سفرنامه خود می‌نویسد: «زنان جوراب‌های ساق بلند ماهوتی رنگ و کفش بر پا دارند،



تصویر ۲۳. بخشی از نگاره پیرزن و سلطان سنجر، خمسه نظامی، منسوب به سلطان محمد (کنبای، ۱۳۸۱: ۸۱)



تصویر ۲۲. زن قزلباش با کفش‌های بدون ساق و پاشنه‌بلند (سانسون، ۱۳۷۷: ۳۶)



تصویر ۲۶. کفش پاشنه‌بلند، بخشی از نگاره اسکندر و روشنگ و بزم، معین مصور (غیبی، ۱۳۹۱: ۴۳۰)



تصویر ۲۵. چکمه ساق بلند پاشنه‌بلند در پای زن و مرد، بخشی از نگاره دیدار خسرو و شیرین در کوهستان، محمدقاسم (آژند، ۱۳۸۹: ۶۴۱)



تصویر ۲۴. کفش، بخشی از نگاره شاه‌عباس و خان‌عالم، اثر رضا عباسی (آژند، ۱۳۸۹: ۴۹۲)



تصویر ۲۷. جوراب زنانه به شکل نیم چکمه منسوج (یارشاطر، ۱۳۸۳: ۲۰۶)

جدول ۱. مطالعه تطبیقی پوشش زنان در سفرنامه‌ها با نگاره‌های دوره صفویه

عنوان	تصاویر در سفرنامه‌ها	تصاویر در نگاره‌ها	توضیحات
شباهت کلاه عرقچین مانند بانوان در سفرنامه‌ها و نگاره‌ها	 (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۲۹۲)	 (تحویلین، ۱۳۸۷: ۵۵)	به شباهت کلاه این دو بانوی صفویه که یکی از سفرنامه تاورنیه گرفته شده و دیگری تابلوی بانوی ایستاده، کار افضل الحسینی در مکتب اصفهان است، دقت کنید.
تفاوت قبای زنان صفویه در سفرنامه‌ها و نگاره‌ها	 (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۶)	 (آژند، ۱۳۸۹: ۶۴۱)	در ابتدا زنان صفویه قبای بلندی می پوشیدند که تا ساق پای آن‌ها می رسید؛ اما با ورود اروپاییان، قبای زنانه به تقلید از لباس آن‌ها بسیار کوتاه‌تر شد و تا بالای زانو رسید. این تفاوت قبا، در تصاویر مربوط به سفرنامه‌ها و نگاره‌ها به وضوح دیده می‌شود.

ادامه جدول ۱. مطالعه تطبیقی پوشش زنان در سفرنامه‌ها با نگاره‌های دوره صفویه

عنوان	تصاویر در سفرنامه‌ها	تصاویر در نگاره‌ها	توضیحات
شباهت کلیجه زیر قبای بانوان در سفرنامه‌ها و نگاره‌ها	 (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۶)	 (غیبی، ۱۳۹۱: ۴۴۲)	در این تصاویر شباهت کلیجه زیر قبا که یکی مربوط به سفرنامه شاردن است و دیگری بخشی از نگاره اسکندر و روشنگ و بزم، کار معین مصور می‌باشد، مشاهده می‌شود.
چادر زنان صفویه	 (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۶)	 (سودآور، ۱۳۸۰: ۲۷۸)	زنان هنگام بیرون رفتن از خانه، چادر بزرگ سفیدرنگی به سر می‌کردند که تمامی بدن آنان را می‌پوشاند و فقط جلوی صورت باز می‌ماند که به وسیله آن می‌توانستند پیش روی خود را ببینند.
شباهت شلوار زنان صفویه در سفرنامه‌ها و نگاره‌ها	 (فیگوتروا، ۱۳۶۳: ۱۵۹)	 (رجبی، ۱۳۸۴: ۲۴۷)	شلوار زنان صفویه هم در سفرنامه‌ها و هم در نگاره‌ها بلند بود و تا پاشنه پا می‌رسید.
شباهت کفش پاشنه‌بلند زنان صفویه در سفرنامه‌ها و نگاره‌ها	 (سانسون، ۱۳۷۷: ۳۶)	 (غیبی، ۱۳۹۱: ۴۳۰)	طرحی از یک زن قزلباش با کفش‌های پاشنه‌بلند مربوط به دوره شاه سلیمان صفوی در سفرنامه سانسون دیده می‌شود. نمونه‌های از کفشهای پاشنه‌بلند در بخشی از نگاره اسکندر و روشنگ و بزم، کار معین مصور در مکتب اصفهان مشاهده می‌گردد.

عنوان	تصاویر در سفرنامه‌ها	تصاویر در نگاره‌ها	توضیحات
کفش راحتی زنان صفویه در سفرنامه‌ها و نگاره‌ها			تصویر بانویی که از سفرنامه فیگوئروا گرفته شده، دارای کفشی از نوع راحتی یعنی بدون قسمت پشت و دارای رویه‌ای بلند با برشی هشتی شکل بر روی سینه کفش است و در تصویر دختری در حال حمل کوزه، طرح هشتی شکل و خلاقانه آن در طرفین کفش ایجاد شده که نشان‌دهنده اوج خلاقیت طراح کفش در اواخر صفویه است.
	(فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۵۹)	(سودآور، ۱۳۸۰: ۲۹۷)	

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

مدرس شدن البسه باقی مانده از دوره صفویه به دلیل طبیعت فرسودنی ابریشم‌های ظریف و پنبه‌ها، از بین رفتن البسه به دلیل پاره کردن پوشاک سلطنتی سلاطین و شاهزادگان به‌منظور یافتن طلا و نقره به‌کاررفته در آن‌ها و همچنین بی‌اعتنایی به پوشاک سنتی آن دوره با ورود فرهنگ غربی باعث شده که دسترسی به تن‌پوش بانوان دوران صفویه مشکل باشد. لذا برای بررسی تن‌پوش‌های زنان صفویه، باید از سفرنامه‌ها و نگاره‌ها استفاده نمود. با بررسی سفرنامه‌ها و نگاره‌ها در این مقاله می‌توان چنین ارزیابی کرد که در اکثر مواقع بین توصیفات سفرنامه‌ها در مورد تن‌پوش‌های زنان با نگاره‌های موجود از دوره صفویه انطباق کامل وجود دارد که نمونه‌های آن بسیار زیاد است. البته مطالب سفرنامه‌ها در برخی موارد به دلایلی مانند تغییر و تحول پوشاک صفویه قابل اطمینان نیست، مثلاً دلاواله در مورد قبا‌ی بانوان صفویه عنوان می‌کند که زنان صفویه قبا‌ی بلندی می‌پوشیدند که تا ساق پای آن‌ها می‌رسید، اما در برخی از نگاره‌ها می‌بینیم که قبا به تقلید از لباس اروپاییان بسیار کوتاه‌تر شده و تا بالای زانو رسیده است. در طراحی کفش‌های راحتی زنان نیز چنین اتفاقی افتاده است. در تصاویر سفرنامه‌ها، کفش راحتی بانوان یعنی بدون قسمت پشت و با برشی هشتی شکل بر روی سینه کفش وجود دارد؛ در حالی که در برخی از نگاره‌های اواخر صفویه، طرح هشتی شکل و خلاقانه آن در طرفین کفش ایجاد شده که این نشان‌دهنده خلاقیت طراحان کفش می‌باشد که تنها با دیدن نگاره‌ها به خلاقیت آن‌ها پی می‌بریم. به همین دلیل مطالب سفرنامه‌ها به تنهایی برای بررسی پوشش زنان صفویه کافی نیستند، بلکه در کنار نگاره‌ها می‌توانند اسنادی معتبر تلقی شوند.

پی‌نوشت

1. Gaspard Drouville
گاسپارد دروویل یک افسر فرانسوی بود که در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار و ولایت عهدی عباس میرزا در ایران اقامت داشت.
2. (Jean) John Chardin
شاردن سیاح مشهور فرانسوی که در نزد شاه‌عباس دوم به‌قدری عزت و احترام پیدا کرد که به «تاجر باشی» ملقب شد و به زبان فارسی تسلط داشت.
3. Adam Olearius
آدام اولتاریوس آلمانی از سوی فردریش سوم به‌منظور مذاکره اقتصادی با دولت صفوی درباره‌ی تجارت ابریشم به ایران آمد.
4. Fedot Afanas Yevic Katof

در سال ۱۶۲۳ م. فدت آفاناس یویچ کاتف به‌عنوان تاجری که اجناس تزاری را دادوستد می‌کند، با کالاهای دولتی روسیه، از طریق استرخان (در زمان سلطنت شاه عباس اول) راهی ایران شد.

5. Pietro Della Valle

پیترودلاواله یکی از مشهورترین سیاحان و جهانگردان ایتالیایی که در زمان شاه‌عباس اول به ایران سفر کرده است.

6. Anthony Shirley

آنتونی شرلی به همراه برادرش رابرت شرلی از طبقه اشراف انگلستان بودند که در پی تحصیل و شهرت با جمعی از انگلیسی‌ها در زمان شاه‌عباس به ایران آمدند.

7. Sanson

سانسون کشیش فرانسوی که به‌منظور تبلیغ و انتشار دین مسیح به ایران آمد، وی در زمان شاه سلیمان صفوی در ایران بود.

8. Jean-Baptist Tavernier

تاورنیه سیاح فرانسوی که بیش از نه بار ایران را دیده است و اولین سفر وی در زمان شاه صفی و سفرهای دیگرش در زمان شاه‌عباس دوم و شاه سلیمان انجام گرفت.

9. Giovanni Francesco GemelliCareri

جملی کارری جهانگرد ایتالیایی که در زمان شاه سلیمان به ایران آمد و در مراسم تاج‌گذاری شاه سلطان حسین صفوی شرکت کرد.

10. Don Garcia de Silva Figueroa

دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا سفیر فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا، در دربار شاه‌عباس اول بود.

منابع و مآخذ

- آدامووا، آدل. (آ.ت.). (۱۳۸۶). نگاره‌های ایرانی گنجینه آرمنیتاز سده پانزده تا نوزده میلادی. زهره فیضی، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آژند، یعقوب. (۱۳۸۹). نگارگری ایران (پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران). چاپ اول، تهران: سمت.
- آقاجانی اصفهانی، حسین و جوانی، اصغر. (۱۳۸۶). دیوارنگاری عصر صفویه در اصفهان. چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.
- اولتاریوس، آدام. (۱۳۶۹). سفرنامه آدام اولتاریوس (اصفهان خونین شاه صفی). مهندس حسین کردیچه، جلد دوم، تهران: کتاب برای همه.
- تاورنیه، ژان باتیست. (۱۳۸۳). سفرنامه تاورنیه. حمید ارباب شیروانی، چاپ اول، تهران: نیلوفر.
- تحویلین، حسین. (۱۳۸۷). مکتب نقاشی صفوی اصفهان. چاپ اول، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- جایز، مژگان و کریمیان، حسن. (۱۳۸۶). تحولات ایران عصر صفوی و نمود آن در هنر نگارگری، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، (۷)، ۸۸-۶۵.
- جملی کارری، جووانی فرانچسکو. (۱۳۸۳). سفرنامه کارری. عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- دانش‌پژوه، منوچهر. (۱۳۸۵). بررسی سفرنامه‌های دوره صفوی. چاپ اول، اصفهان: فرهنگستان هنر و دانشگاه اصفهان.
- دروویل، گاسپار. (۱۳۸۹). سفرنامه دروویل. جواد محبی، چاپ اول، تهران: نیلوفرانه.
- دسیلوفیگوئروا، دن گارسیا. (۱۳۶۳). سفرنامه دن گارسیا دسیلوفیگوئروا. غلامرضا سمیعی، تهران: نو.
- دلاواله، پیترودلاواله. (۱۳۷۰). سفرنامه پیترودلاواله. شعاع‌الدین شفا، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- رجبی، محمدعلی. (۱۳۸۴). شاهکارهای نگارگری ایران. چاپ اول، تهران: موزه هنرهای معاصر ایران.
- رنج دوست، شبنم. (۱۳۸۷). تاریخ لباس ایران. چاپ اول، تهران: جمال هنر.
- سانسون، پر، اس، ان. (۱۳۷۷). سفرنامه سانسون (وضع کشور ایران در عهد شاه سلیمان صفوی). محمد مهریار، چاپ اول، اصفهان: گل‌ها.
- سودآور، ابوالعلاء. (۱۳۸۰). هنر دربارهای ایران. ناهید محمد شمیرانی. چاپ اول، تهران: کارنگ.



- سیبلا، شوستر والسر. (۱۳۶۴). **ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان**. غلامرضا وره‌رام. چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- سیوری، راجر. (۱۳۷۲). **ایران عصر صفوی**. کامبیز عزیری. چاپ اول، تهران: مرکز.
- شاردن، جان. (۱۳۷۴). **سفرنامه شوالیه شاردن**. اقبال یغمایی. جلد دوم، چاپ اول، تهران: توس.
- شریعت پناهی، سیدحسام‌الدین. (۱۳۷۲). **اروپایی‌ها و لباس ایرانیان**. تهران: نشر قومس.
- شهبازی، فرزانه. (۱۳۸۳). **بررسی فرهنگ دینی مردم در سفرنامه‌های عصر صفویه**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر مهدی فراهانی منفرد. دانشگاه الزهراء تهران.
- شهشهانی، سهیلا. (۱۳۷۴). **تاریخچه پوشش سردر ایران**. چاپ اول، تهران: انتشارات مدبر.
- غیبی، مهرآسا. (۱۳۹۱). **هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی**. چاپ چهارم، تهران: هیرمند.
- کاتف، فدت آفاناس یویچ. (۲۵۳۶ شاهنشاهی). **سفرنامه فدت آفاناس یویچ کاتف**. محمدصادق همایون فرد. تهران: شرکت دیا استریپ.
- کنبای، شیلا. (۱۳۸۱). **نگارگری ایرانی**. مهنار شایسته‌فر. چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- _____ (۱۳۸۴). **رضا عباسی اصلاح‌گر سرکش**. یعقوب آژند. چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.
- متین، پیمان. (۱۳۸۳). **پوشاک ایرانیان**. چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مهرآبادی، میترا. (۱۳۸۶). **زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی**. چاپ دوم، تهران: آفرینش.
- یارشاطر، احسان. (۱۳۸۳). **پوشاک در ایران زمین (از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا، ۱)**. پیمان متین. چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Received: 2017/01/03/

Accepted: 2017/05/14

A Comparative Study of Women's Clothing in Travelogues and Paintings of the Safavid Period

Mansour Vali Ghojogh* Hossein Mehrpouya**

9

Abstract

One of the historical events which was more pronounced in the Safavid period and had a significant effect on Safavid clothing was the arrival of Europeans in Iran which marked a part of the Safavid written history through their travelogues. In addition to travelogues, the paintings of that period can also be used for investigating the Safavid women's clothing. Using a comparative study, this article tries to investigate how the images and different issues related to Safavid women's clothing were reflected in paintings and travelogues of the very era. Therefore, the most important travelogues on women's clothing written in Safavid period have been studied and their contents have been compared with Safavid paintings. This is a theoretical study which seeks to answer the following questions by applying comparative method and using library resources as well as studying the contents of travelogues and paintings: How has Safavid women's clothing been reflected in travelogues and the paintings of this period and how much are they matched with each other? Also why travelogues should be used along with paintings for investigating the Safavid women's clothing? One of the reasons to take advantage of travelogues along with paintings is the lack of women's garment due to worn-out silk and cotton used in them, changes in women's clothing due to the arrival of Western culture and so on. The research findings indicate that the contents of travelogues are not reliable in some cases due to changes of Safavid clothing. For example, women's cassock in travelogues' pictures is up to their leg whereas in some figures we see that cassock became much shorter and reached above the knee. A similar case happened in the design of women's comfortable shoes and because of this the contents of travelogues alone are not enough to investigate Safavid women's clothing but they can be considered as valid documents along with paintings.

Keywords: Safavid painting, paintings, travelogues, women's clothing

* MA in Art Studies, University of Sistan and Baluchestan.

** Assistant Professor, Faculty of Arts and Architecture, University of Sistan and Baluchestan.